

## دعوت به تظاهرات سیاسی

### بهر دستی نباید داد دست

امیر فیض- حقوقدان

بطوریکه استحضار دارید و بنده هم کمتر از شما در جریان این استحضار هستم، قرار است که تظاهراتی همزمان در واشنگتن ولوس انجلس راه اندازی بشود.

دعوت به معنای درخواست و خواهش برای مشارکت در امری است که ممکن است خصوصی و یا عمومی باشد. رکن اصلی درخواست موضوع دعوت است. مقصود از موضوع دعوت آن است که آن موضوع مورد حمایت و تائید مدعو باشد، بنابراین اقتضای قبول دعوت برای شرکت در تظاهرات دانستن و علم به موضوع تظاهرات است؛ همانطور که اگر کسی شما را دعوت به محلی و کاری میکند و اگر ندانید که دعوت برای چه کاری است قبول دعوت نمیکنید. حساسیت قبول دعوت به تظاهرات خاصه سیاسی آن، بمراتب بیشتر از دعوت خصوصی است؛ چرا که در دعوت خصوص مسئولیت محدود و در دعوت به کار سیاسی مسئولیت متوجه تمام عواقب مسئولیت آور کار سیاسی است.

### تظاهرات سیاسی

دعوت به تظاهرات سیاسی همانطور که از عنوان آن (سیاسی) برداشت میشود؛ جانبداری و همکاری در جهت یک ایده سیاسی مشخص و تائید شده است؛ بنابراین تظاهرات سیاسی نمیتواند ناشی از فکر و خواست یکنفر باشد زیرا کار سیاسی وابسته به ایدئولوژی و فلسفه سیاسی است و فلسفه سیاسی هم بدون پیروان نمیشود. فکر سیاسی است که در مراحل بدوی بدون پیرو است و وقتی که جای قبول یافت میشود ایدئولوژی و یا هدف سیاسی.

### درخواست این تحریر

بنابراین؛ اولین درخواست این تحریر روشن شدن این موضوع است که ایدئولوژی تظاهرات مورد نظر چیست؟ چرا که دعوت از کسی که با ایدئولوژی و هدف و خواست تظاهرات هماهنگ نیست عمل درستی نیست و نوعی اغفالگری محسوب میشود.

دومین درخواست این است که تظاهرات بوسیله یک واحد سیاسی با مشخصات با سابقه مدیریت میشود یا خلق الساعه است؟

این درخواست متضمن این توضیح است که یکی از طرق مقبول برای قرار گرفتن نزد قدرت حاکم و یا کشورهای خارجی تظاهر به قدرت است و قدرت در روانشناسی سیاسی به تعداد پیرو اطلاق میگردد و اگر تظاهرات پیوند با ایدئولوژی مشخص و سابقه دار سیاسی نباشد و کارگردانی آن تظاهرات را افراد برعهده داشته باشند، سیاق عمل قدرت نمایی از طریق پیروست برای انجام معامله و یا جلب توجه و این موضوع یک امر کاملاً مشخص و شناخته شده ای است.

در محاکمات جنائی غالباً متهمین با استفاده از این طریق یعنی جمع آوری افراد در بیرون دادگاه می‌خواهند قدرت اجتماعی و محبوبیت خود را به دادگاه نشان بدهند - ژنرال دوستم افغانی با استفاده از همین شیوه توانست به معاونت رئیس جمهوری افغان برسد - سیاست مجاهدین متمرکز بر جمع آوری افراد است که گفته میشود در تظاهرات پاریس یکصد هزار نفر و بیشتر آفریقانی گرد آورده بودند - سیاست خامنه ای هم بر جمعیت و افراد پایه ریزی شده است.

## دولت جدید آمریکا

دولت جدید آمریکا مترصد استفاده از قدرتهائی است که ممکن است در کارزار سیاسی علیه جمهوری اسلامی قابل باشند - علی القاعده ایرانیائی هم هستند که مایلند در این بازاریابی آمریکا نقش موفق داشته باشند و بهترین و نزدیک ترین راه، تشکیل تظاهرات است، تا نشان دهند که برگزارکنندگان تظاهرات دارای محبوبیت سیاسی و شخصیتی هستند آنها در موقعیت رهبری چراکه اصل، در رهبری قبول عامه ویا گروهی است و معیارمیزه این تشخیص شمار شرکت کننده ها است.

**برای جلوگیری از اتفاقاتی از جمله استفاده های نامشروع و کاسبکارانه افراد از تظاهرات، برای انجام تظاهرات مانیفستی تنظیم میشود که خارج از آن مانیفست، نه شعاری داده میشود و نه حرکتی انجام میگردد و قطعنامه تظاهرات هم در تائید همان مانیفست است؛** در این مانیفست است که شعارها و پرچم

مبارزه و کسانی که سخنرانی خواهند کرد و موضوع سخنرانی ها مشخص میشود و مدعو به تظاهرات با ملاحظه آن، در تظاهرات شرکت میکند و یا قبول دعوت نمینماید. متاسفانه بنده از چنین مانیفستی بی خبرم و تلاش هم برای کسب اطلاع بیحاصل مانده است، و تصور هم نمیکم که مانیفستی وجود داشته باشد.

## مناسبت تظاهرات

تظاهرات سیاسی همواره دارای مناسبت است یعنی به چه دلیل و به چه سببی تظاهرات در این زمان ایجاب میشود؛ در برنامه تظاهرات لوس آنجلس و واشنگتن مناسبت تظاهرات دیده نمیشود؛ یکی از آقایان دست اندر کار تظاهرات، قتل ندا آقا سلطان و جلوگیری از تجدید آنرا مناسبت انجام تظاهرات میداند. تصور نمیکم برای انجام تظاهرات، چنین مناسبتی مناسب باشد زیرا یکی از شرائط مناسبت فوریت و ربط تظاهرات به موضوع است، و موضوع آقا سلطان در زمان خودش با واکنشها و اعتراضات کاملاً

۱- با وجود همزمانی تظاهرات، مسنولین تدارک کننده، دو «تم یا مانیفست» گوناگون ارائه میدادند که از ریشه بنیادین مانیفست رسمی در تظاهرات بی بهره بود و انگار درخواست های شخصی بیشتر مورد نظر بود تا روند بنیادین مبارزه. حتا آنکه قانون اساسی را پاس میداشت، تداوم سلطنت به آن ترتیبی که قانون مشخص کرده را پی نمی گرفت و در همین راستا در براندازی رژیم اسلامی و جایگزینی با ندایی که اعلیحضرت رضا شاه دوم بار دیگر در گفتگو با «آسوشیتدپرس» مطرح کرده بودند نبود. برگزار کننده دیگر «سلطنت را به لاتاری گذاشته است». گرچه دو برگزارکننده واشنگتن و لس آنجلس ظاهراً باهم در تماس بودند ولی اختلاف نظر فاحش بین آنان بود که خود شکاف بین درخواست و مانیفست است. شکاف در تظاهرات ارائه شده نشانه تشتت آرا و پراکندگی و در نتیجه حضور آب گل آلود زمینه را برای بهره بردای های سیاسی مخالف را فراهم میکند. ح-ک

گسترده ای همراه بوده است و اکنون بعد از گذشت سالها فتح باب کردن آن آنها با انجام تظاهرات در لوس آنجلس توضیح مطلوبی شناخته نمیشود. به ویژه که نامزد سوری ندا آقا سلطان بعدا به دریافت نشان و دستمزد از اسرائیل مفتخر شد.

ولی آنچه که تازگی دارد و میتواند از اسباب و مناسبت تظاهرات بحساب آید تشکیل دولت جدید آمریکاست؛ ولی این امریک موقعیت است و مناسبت تظاهرات سیاسی نمیتواند بحساب آید مگرهدف از تظاهرات خیرمقدم گفتن به آقای ترامپ باشد که اینهم یک کارسیاسی نیست بلکه یک کار تبلیغاتی است.

## خدعه در تظاهرات

سابقه تظاهرات در مبارزات سیاسی کشور ما نشان میدهد که یکی از سهل ترین راه استفاده از مردم در جهت بهره برداری ها همین ایجاد تظاهرات است؛ دو نمونه برای احراز اصالت آنچه عرض شد تقدیم میگردد:

### نمونه اول

در اردیبهشت سال ۶۲ که امواج مبارزه را فقط سلطنت طلبان و مشروطه خواهان تشکیل میدادند جبهه نجات امینی به کارگردانی جنبش نیروهای متحد ملی (جم نما) که تنگاتنگ با امینی و جبهه نجات همکاری داشت تظاهراتی در پاریس تشکیل داد؛ افراد و سازمان هایی که در آن تظاهرات اعلام شرکت کرده بودند عبارت بودند از:

سازمان نما را (تیمسارپزشکیپور)- گروه مسلم خراسانی- جنبش ملی نجات ایران - فرزندان ایران زمین - سازمان هواداران جبهه نجات آلمان - جمعیت راه آینده - سازمان سرود ما - سازمان دانشجویان - سازمان دانشگاهیان - جبهه احیای مشروطیت ایران - بنیاد آزادگان (تیمسارآریانا) سازمان پارس - سازمان چریکی کاوه- ارتش رهائی بخش - تیمسار رامبد- آقای کجوری - نهضت آذربایجان - سازمان هواداران جبهه در آمریکا - سازمان جنبش سرباز- سازمان آرام - انجمن کلیمیان - گروه کاوه آهنگر- جبهه دمکرات - جنبش نجات ایران - ناسیو نالیستهای آلمان غربی- جبهه ناسیونالیستهای ایران - جبهه آزادی - گروه آزادیخواهان ایران - سازمان گاما - سازمان خشم - سازمان سانا - سازمان ایلات و عشایر ایران - نهضت نجات ایران (ارتشبد اویسی) - جمعیت مدافعان قانون اساسی.

### حاشیه قابل توجه

چنانکه آگاهید از آن دامنه وسیع نامها بغیر از سازمان خشم و بنیاد آزادگان همه بریاد رفته اند و نامی از آنها نیست حقیقت این است که آنها در همان سال ۶۲ هم اسمی بوده اند و نه سازمانی بود و نه فعالیتی ولی جبهه نجات برای اولین بار از روش استفاده از نامهای قلابی سازمانی استفاده کرد؛ و این شد یک بدعتی که بعدها افراد این شیوه را بکاربردند مانند دستگاه آقای نصرافهانی و شورای تجزیه ایران (پایان حاشیه)

ان زمان چون جوسلطنت طلبی حاکم بر مبارزه بود سازمان های سلطنت طلب واقعی هم در لیست جبهه نجات شرکت داشتند ولی اغلب آنها از جمله سازمان خشم و ارتشبد اویسی در آن جلسه شرکت نکردند و جالب اینکه؛ سازمان جم نما که متصدی انجام تظاهرات بود قبل از تظاهرات، آرمان نامه سازمان خودش

را از فرم سلطنت طلبی خارج ساخت و آرمان نامه اش که متکی برتداوم سلطنت و پادشاهی رضاپهلوی بود را اصلاح کرد و تاکیدات مزبور را برداشت تا هم آوازه سیاسی جبهه نجات شود. (مشروح درسنگر ۱۵۸)

سازمان خشم هم که زیر شعار «خدا- شاه میهن» فعالیت و معرفی شده بود در اجلاس مزبور شرکت نکرد ولی متاسفانه همین سازمان در تشکیل محکمه صحرائی [هشدار و هرزنامه] و آن اتهامات و دشنام ها به اعلیحضرت مشارکت داشت و هنوز هم مشارکت دارد.

بهرحال تظاهرات انجام شد، میدانید دستآورد این تظاهرات چه بود؟ در یک کلمه تانید شورش ۵۷ بنام یک انقلاب مردمی و خط بطلان برتداوم مشروعیت قانون اساسی و سلطنت. سنگر در رابطه با تظاهرات مزبور مقاله ای در همان تاریخ و همان سنگر ۱۵۸ نوشت زیر عنوان [پره هارا سربریدند] و انتشار داد، این تحریر مدیون است که بخش کوچکی از آن مقاله که میتواند چراغ راه ایرانیان در کوره راه های تاریک تظاهرات باشد به اینجا بیاورد تا شاید مورد توجه شرکت کنندگان در تظاهرات پیش رو باشد.<sup>۲</sup>

> آقایان شرکت کننده در جلسه تظاهرات، شما را فریب دادند، اگر دست زده اید برای این دست زده اید که دیگران دست زده اند - اگر شرکت کرده اید برای این است که رفیقان شرکت کرده است - ما ایرانیان عادت داریم وقتی عده ای دانسته و یا ندانسته در کاری شتاب میکنند و یا پیشتاز میشوند و یا حداقل دست میزنند و یا به خریدن کالائی اقدام مینمایند و بطور کلی از موضوعی استقبال میکنند، پیشاپیش آنها حرکت میکنیم و شدیدتر از دگیران دست میزنیم و تظاهرات میکنیم ولی برخی از ما گاهی آهسته پس از دست زدن متوالی و دریدن حنجره خود آهسته از بغل دستی میبرسم جریان چه بوده است!

آقایان محترم؛ دار و دسته امینی شما را رنگ کرده اند - سر شما شیره مالیده اند با آن دست زدن ها منشور جبهه نجات را که کاملاً مخالف تداوم سلطنت است تانید و با آن جبهه بیعت کرده اند، آنها دارند با دست شما و رای شما گور رژیم شاهنشاهی ایران را میکنند....

واقعا حیرت انگیز است، شما آقایان که همه مردان مبارز خود را معرفی میکنید حیف است، سخیف است که مانند بره در یک اجتماعی بنشینید و یک پیرمرد و چند بچه کمونیست و مصدقی گوش تا گوش سر شما را ببرند و صدای کسی در نیاید.

خواهش دارم از خودتان سوال کنید چه اشکال حقوقی و سیاسی داشت که مبارزه با اتکای به اصول قانون اساسی مشروطه و استفاده از مشروعیت سلطنت رضاپهلوی و قدرت معنوی و مشروع آن برای نجات ایران شکل بگیرد.....

فراموش نکنید که آن برنامه که بتصدی و هزینه جبهه نجات انجام گرفت، نمیتوانست بغیر از حرکت در جهت طرح هنری پرشت آغازی داشته باشد، در آن زمان هنوز طرح مزبور آشکار نشده بود و میدانید که جبهه نجات ماهیاته یکصد هزار دلار از آمریکا پول میگرفت بنابراین نمیتوانست برخلاف طرح اقدام سیاسی کند.

۲- شرط لازم آن است که به قصد دریافت و آموزش، مطلب را بخوانند ولی اگر نخوانند و رسوب نکند و کار بی اساس خود را دنبال کنند راه به ترکستان است. ح-ک

## شاهد دوم

دوسال بعد از دسیسه جبهه نجات که شرح مختصر آن آورده شد برنامه تظاهرات دیگری درواشنگتن بمناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت بتصدی و مدیریت شوراهای مشروطیت برپا شد، بهتر است از عین عبارت شاهد که درسنگر ۱۴ مرداد سال ۶۴ بشماره ۲۵۶ درج است استفاده شود.

در تظاهرات هفتم مرداد ماه امسال درواشنگتن که بمناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت برپا شد، گروه عظیمی از ایرانیان شرکت داشتند. برخی از خبرگزاریهای خارجی تعداد شرکت کنندگان را ۷،۰۰۰ تن و برخی بیشتر اعلام داشته اند.

تردید نیست که بشهادت شهود عینی و فیلمهای موجود، مسیر تظاهرات، کاملاً مشخص بوده است چرا که شعارها بیانگر ماهیت سیاسی تظاهرات و در راه حقانیت پادشاهی شهریار ایران رضاشاه دوم، منعکس کننده خواست شرکت کنندگان در تظاهرات بود.

۷،۰۰۰ ایرانی از نقاط مختلف کشور آمریکا و حتی از کشورهای دیگر در این تظاهرات شرکت کردند. شرکت این گروه عظیم و بی سابقه یکی انگیزه کلی داشت و آن اینکه آنها احساس کردند که پادشاه نسبت به آن تظاهرات بی تفاوت نیستند (دقت کنید در آن تاریخ هنوز طرح هنری پرشت در مسیر اجرائی سخت قرار نداشت) بهمین دلیل ایرانیان با همه مشکلاتی که داشتند راهی واشنگتن شدند تا در آن مکان معروف بامحکوم ساختن جمهوری اسلامی تداوم رژیم سلطنتی و مشروعیت پادشاهی شهریار ایران رابه جهانیان اعلام دارند.

بسیاری از کسانی که در تظاهرات شرکت داشتند تا آن زمان در مبارزه حضور روشنی نداشتند و برای اولین بار بود که در تظاهرات شرکت میکردند؛ آنان آمده بودند تا نشان دهند که با پادشاهی میثاق ناگسستی دارند و.....

اما اسفا که شورای مشروطه کشوری که مسئولیت و کارگردانی تظاهرات را برعهده داشت کل این احساسات شاهدوستانه را لگد مال کرد و حکم رد و بی اعتباری قانون اساسی و نیز رد سلطنت شهریار ایران را بنماینده ۷،۰۰۰ ایرانی شاهدوست صادر و به اربابانشان در کاخ سفید تسلیم نمودند، دقیقاً در جهت تائید طرح هنری پرشت (از همان سنگر)

سنگردر همان تاریخ مقاله ای نوشت تحت عنوان «۷،۰۰۰ ایرانی را سربریدند»

**غافل نمایم که در تظاهرات واشنگتن که ایرانیان تصور میکردند که در جهت حقانیت تداوم سلطنت است و به همین اعتبار هم تجمع کردند، آنچه که در تعهد مجریان تظاهرات بود محکم کردن حرکت طرح هنری پرشت بود که تظاهرات توانست تائید تظاهر کنندگان رابه آنچه که در ماهیت طرح بود بدست آورد.**

## **ایران گرامی**

### **مبارزه دربرخ**

ما سلطنت طلبان دربرخ مبارزه گیر کرده ایم نہ رھبری داریم ونہ قدرتی اطراف ما ہرچہ ہست اتفاق در مخالفت با تداوم سلطنت ایران وتدام اجرائی قانون اساسی مشروطیت است در این میان بسیاری کسانے کہ با جمهوری اسلامی مخالفند ولی با تداوم سلطنت ایران ہم مخالفند، در این برزخ مبارزه ہمہ قاطی ودرہم ہستیم۔

اگر دستگاہی کہ راہنمای ما باشد تا با رویداد ہا چہ کنیم وجود ندارد ولی در عوض نص قانون اساسی مشروطیت وسیرہ ۷۰ سال اجرائی آن، دستورالعمل قانونی وسنتی وفرماندہ فلسفی ماست کہ راہنمای مبارزه سیاسی ما دراین برزخ مبارزه است۔

این دستورالعمل بمامیآموزد **ہر حرکتی کہ برپایہ و اساس عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و مشروعیت تداوم سلطنت پهلوی نیست ویا درحقیقت آن شک داریم نباید مورد تأیید وحمایت معتقدین بہ حقانیت تداوم سلطنت قرار گیرد۔**

پس بھر دستی نباید داد دست      گربصورت آدمی انسان بود      ( بہار )

**اینکہ میگویند اول ایران را نجات بدهیم بعد مسئلہ سلطنت... بوضوح غلط ودام است۔ راہ نجات ایران از دروازہ شاہنشاهی ایران میگذرد وامواج وسیع شاہدوستی است کہ ابزار قطعی نجات ایران است۔**